

وزارت امور خارجه، مکتب تربیت رجال سیاسی

دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی
استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

در ۷ خرداد ماه ۱۳۸۰ سمیناری يك روزه با عنوان «یکصدمین سال تأسیس مدرسه علوم سیاسی» در دفتر مطالعات وزارت امور خارجه تشکیل گردید. نخستین سخنران جناب آقای دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) بودند که متن سخنرانی ایشان تحت عنوان «وزارت امور خارجه، مکتب تربیت رجال سیاسی» را در زیر ملاحظه می فرمایید.

وزارت امور خارجه که سن سال ترین سازمان دولتی ایران است که پیشینه‌ای صد و هشتاد ساله دارد. از قرن شانزدهم میلادی که اروپا رو به ترقی نهاد و شروع به کشتیرانی به اطراف و اکناف جهان کرد و با کشورهای دوردست بنای مراد و مبادله کالا گذاشت، به پایتخت ایران نیز مأمورانی گسیل داشت. همیشه چه در هنگام فرمانروایی صفویه و افشاریه و زندیه و چه در ابتدای دوران قاجاریه یکی از خواص دربار مأمور پذیرایی از فرستادگان موقت یا دائم کشورهای اروپایی می شد که ایشیک آقاسی یا وزیر غربی نام داشت.

در فوریه ۱۸۰۴ که ناپلئون اول به رقابت با انگلیسیها در صدد اتحاد با ایران بر آمد، نامه‌ای به زبان فرانسه برای فتحعلیشاه نوشت و بوسیله خواجه داود ارمنی به تهران فرستاد. خواجه داود پس از رسیدن به پایتخت ایران شش ماه معطل گشت و کسی پیدا نشد که آن نامه را به فارسی ترجمه کند و از نظر شاه بگذراند. لذا ناچار شد به بغداد برود و در آن شهر کسی را پیدا کند که هم فرانسه و هم فارسی بداند و نامه را ترجمه کند و به تهران برگردد. این رویداد خیلی به دربار خاقانی برخورد و مجبور شدند به اطراف ایران امریه صادر کنند که هر کس از افراد ایرانی تزد که از السنه فرانسه یا انگلیسی با خبر باشد به دربار بیاید، از الطاف ملوکانه برخوردار خواهد شد.

چندی نگذشت که عریضه‌ای از دو نفر ایرانی به نامهای میرزا ابوالحسن و میرزا محمدعلی به دربار رسید که ما هر دو از بستگان میرزا ابراهیم خان صدراعظم سابق هستیم و چندی در بمبئی انگلیسی و فرانسه تحصیل کرده‌ایم؛ اگر به

ما امنیت جانی بدهید فوراً در دربار حاضر گشته داخل خدمت خواهیم شد. از جانب خاقان به آنان امنیت داده شد و به تهران آمدند. ابتدا هر دو به منصب غلام پیشخدمتی مشرف و سپس به سمت ایلچی به دربارهای اروپایی اعزام شدند. بعدها میرزا ابوالحسن خان نخستین وزیر امور خارجه ایران شد و میرزا محمدعلی نیز سالها معاونت او را بر عهده داشت و در دوران صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر خود او به سمت وزیر امور خارجه منصوب گردید.^۱

نه سال بعد در ۱۵ مارس ۱۸۱۵ عهدنامه کنگره وین در مورد ترتیب اعزام و پذیرفتن و حق تقدم نمایندگان سیاسی به امضای دولتهای اروپایی رسید و به لحاظ مسائل مهمی که هر روز با کشورهای خارجی پیش می آمد و سفیران متعددی که به تهران می آمدند، فتحعلیشاه طی فرمان مورخ ذیحجه ۱۲۳۶ هجری قمری برابر با اکتبر ۱۸۲۱ دستور تأسیس وزارت امور خارجه را صادر کرد.

لیکن وزارت امور خارجه تا سالیان دراز مرکب از وزیر و نایب او و چند منشی حضور بود و بخشی از دفتر صدراعظم به شمار می رفت. میرزا ابوالحسن خان تا سال ۱۸۳۷ که زنده بود این مقام را به عهده داشت و پس از او میرزا مسعودخان انصاری وزیر خارجه شد. تا اینکه در ۱۸۴۸ میرزا تقی خان امیر کبیر به صدارت رسید و تصمیم گرفت وزارت امور خارجه را به نهادی مستقل تبدیل کند. در دوران امیر کبیر صدور تذکره (گزارشنامه) برای اتباع ایران که قصد مسافرت به خارج داشتند معمول شد، ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی نظم جدیدی یافت و نخستین نمایندگان گه‌های سیاسی ایران در پایتختهای بزرگ آن روز - قسطنطنیه، پترزبورگ و لندن - بطور دائمی تأسیس گردید و سفیران موظف شدند از حوزه مأموریت خود و اوضاع و احوال اتباع ایران اطلاعات درستی تهیه کنند و بطور منظم به وزارت امور خارجه بفرستند و درباره جزئیات امور از تهران دستور بگیرند.^۲

پس از عزل و قتل امیر کبیر، ناصرالدین شاه در اعزام سفیر به کشورهای اروپایی با دشواری روبه‌رو شد زیرا کارمندان مسلمان وزارت

امور خارجه رغبتی به مأموریت در کشورهای مسیحی از خود نشان نمی‌دادند و وی ناچار شد از شخصیت‌های ارمنی، آسوری و حتی ایتالیایی استفاده کند و میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله را به لندن، نظر آقامین‌السلطنه را به پاریس، اوانس‌خان مساعداالسلطنه را به برلین، نریمان‌خان قوام‌السلطنه را به وین و کنت آنتوان دوموته‌فورت را به کشورهای بالکان بفرستد. مدت مأموریت سفیران نیز محدود نبود، چنان‌که ملک‌خان ۱۸ سال در لندن، نظر آقا بیست سال در پاریس و صمدخان ممتازالسلطنه ۲۵ سال در پاریس مأموریت داشتند.

سرانجام قانون «تمدید مدت اقامت مأمورین سیاسی و کنسولی دولت علیّه ایران در خارجه» در ۱۶ فروردین ۱۳۰۱ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید که مقرر می‌داشت مدت مأموریت کلیّه مأمورین سیاسی و کنسولی ایران در ممالک خارجه نباید از پنج سال تجاوز کند.

دکتر فریدون آدمیت در کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت می‌نویسد:

در ایران تخم افکار آزادیخواهی به دست کسانی افشانه شد که خود سمت نمایندگی سلطنت مطلقه را به عهده داشتند. در واقع عقاید سیاسی و مدنی جدید ارمانی بود که مأموران رسمی از جهان آزاد و مترقی به سرزمین کهنسال استبداد آوردند و به تأسیس دستگاه عدالت و حکومت قانون همت گماشتند. پیشروان نهضت آزادی ایران یعنی میرزااحسین‌خان سپهسالار، میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله همگی در زمره نمایندگان سیاسی دولت وقت بودند.^۳

میرزا حسین‌خان مشیرالدوله (سپهسالار بعدی) که نخستین ایرانی است که در رأس سفارت کبری قرار گرفت، هنگامی که در سال ۱۸۷۱ از سفارت در عثمانی احضار و به مقام صدارت منصوب شد برنامه اصلاحات را در پیش گرفت. ناصرالدین‌شاه را به اروپا برد و مظاهر ترقی و تمدن را به او نشان داد. میرزا ملک‌خان در گزارشهای خود از لندن از فواید حکومت قانون و

مشارکت مردم در امور کشور سخن می‌گفت و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله در طول اقامت ۱۸ ساله خود در پایتخت فرانسه شیفته نظام حکومتی آن کشور شد و رساله يك كلمه را نوشت. اما ناصرالدین‌شاه گوش شنوا نداشت. هنگامی که میرزااحسین‌خان او را به دیدن یکی از جلسه‌های مجلس عوام انگلستان برد، در بازگشت گفت: «از اینکه يك عده علقه مضغه در امور مملکت داری اظهار نظر کنند، هیچ خوشم نیامد». در پاسخ گزارشهای ملک‌خان نیز نوشت: «ملک‌خان، حرفهای زیبایی می‌زنی ولی اینها را بگذار برای وقتی که من مُردم». که گفته لویی پانزدهم را به یاد می‌آورد که گفته بود: Après moi le déluge

در دوران قاجاریه، چه در زمان استبداد و چه در دوران مشروطیت شش تن از تربیت شدگان وزارت امور خارجه به مسند صدارت دست یافتند: حاجی میرزااحسین‌خان سپهسالار، میرزااعلی‌خان امین‌الدوله، میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله نائینی، میرزا محمدعلی‌خان علاءالسلطنه، میرزا جوادخان سعیدالدوله و میرزااحسن‌خان مشیرالدوله پیرنیا.

در دوران پهلوی نیز شش تن دیگر از رجال وزارت امور خارجه به مقام نخست‌وزیری رسیدند: علی منصور، محمدساعد مراغه‌ای، علی سهیلی، حسین علاء، حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا. چهارتن از تربیت شدگان وزارت امور خارجه نیز در دوران مشروطیت به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند: میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه (علامیر)، صادق صادق (مستشارالدوله)، میرزااحسین‌خان مؤتمن‌الملک (پیرنیا) و میرزااحسن‌خان محتشم‌السلطنه (اسفندیاری). در واقع وزارت امور خارجه مکتب رجال بود و هر نخست‌وزیری به هنگام تشکیل هیئت دولت یکی دو تن از کارمندان بلندپایه این وزارتخانه را از آن‌رو که مدتی در خارج از کشور به سر برده بودند و به افکار جدید و زبانهای بیگانه آشنایی داشتند به عضویت در کابینه دعوت می‌کرد.

کنت دو گوینو که دوبار در زمان ناصرالدین‌شاه در ایران مأموریت داشته است، در یکی از

○وزارت امور خارجه
کهنسال‌ترین سازمان دولتی
ایران است که پیشینه‌ای
صدو هشتاد ساله دارد.
در گذشته، وزارت
امور خارجه در واقع پایگاه
رجال بود و هر
نخست‌وزیری به هنگام
تشکیل دولت چندتن از
کارمندان بلندپایه این
وزارتخانه را به عضویت در
کابینه دعوت می‌کرد.

○ میرزاتقی خان امیر کبیر هنگامی که به صدارت رسید تصمیم گرفت وزارت امور خارجه را به نهادی مستقل تبدیل کند. در دوران امیر کبیر صدور گذرنامه معمول شد، ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی نظم تازه‌ای یافت و نخستین نمایندگان سیاسی ایران در پایتختهای بزرگ آن روز- قسطنطنیه، پترزبورگ و لندن- به صورت دائم تأسیس شد.

گزارشهای سیاسی خود می‌نویسد: «هرچند ایرانیان در بسیاری از رشته‌های علوم پیشرفت چندانی نکرده‌اند ولی در فن دیپلماسی بسیار ماهر و زبردست‌اند. دیپلماتهای ایرانی با اجرای سیاست‌های گوناگون از جمله سیاست موازنه مثبت یا منفی، اتکاء بر يك دولت خارجی بر ضد دولت خارجی دیگر، به جان هم انداختن دولتهای رقیب و کشاندن پای يك دولت ثالث در مناقشه بین قدرتهای بزرگ توانسته‌اند مشعل استقلال خود را هرچند تا اندازه‌ای رنگ باخته است همچنان روشن نگه دارند.»^۲

گذشته از ۱۲ دیپلمات ایرانی که در دوران قاجار و پهلوی به صدارت یا نخست‌وزیری رسیدند، ۵۰ نفر دیگر از کارمندان وزارت امور خارجه نیز به مقام وزارت دست یافتند. از این عده ۲۴ تن تصدی وزارت امور خارجه و ۲۶ نفر دیگر تصدی وزارتخانه‌های کشور، اقتصاد، راه، تجارت، پست و تلگراف، علوم، دادگستری، دارایی، فواید عامه را بر عهده گرفتند یا در کابینه‌ها بعنوان وزیر مشاور شرکت کردند.



حال می‌پردازیم به سفیران برجسته‌ای که ایران از زمان تأسیس وزارت امور خارجه در ۱۸۰ سال پیش تاکنون به کشورهای خارج اعزام داشته است.

چنان که می‌دانیم اصولاً سفیران مجری دستورها و نیات دولت متبوع خود هستند و نمی‌توانند شخصاً نقش عمده‌ای در تعیین سیاست خارجی کشورشان بازی کنند؛ با این همه در میان ۶۸۰ وزیرمختار و سفیری که دولت ایران از زمان تأسیس وزارت امور خارجه تا انقلاب اسلامی به کشورهای خارجی فرستاده، به چهره‌های درخشانی برمی‌خوریم که صمیمانه در راه حفظ منافع میهن خود تلاش کرده و نام نیک از خود به جای گذاشته‌اند. از میان این گونه اشخاص دوازده نفر را برگزیده‌ایم که هر يك در زمان خود خدمات گرانبهایی به این کشور کهنسال کرده‌اند.

۱- میرزا ابوالحسن شیرازی معروف به ایلچی کبیر که دو بار در سالهای ۱۸۰۹ و ۱۸۱۹ از جانب فتحعلیشاه به لندن اعزام شد، نخستین بار موفق شد روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس را بر

پایه‌ای درست قرار دهد و به جای مأموران اعزامی از کمپانی هند شرقی ترتیبی دهد که انگلستان مستقیماً با ایران رابطه داشته باشد. همچنین، از مقامات انگلیسی تعهد گرفت که تا زمانی که ایران با روسیه در حال جنگ است، سالی ۲۰۰ هزار تومان کمک مالی به ایران بپردازند. میرزا ابوالحسن در بازگشت به ایران مورد تقدیر فتحعلیشاه قرار گرفت و به مقام «خانی» مفتخر شد. میرزا ابوالحسن خان در ۱۸۱۴ نیز به دربار روسیه اعزام شد. گرچه دولت روسیه در عهدنامه گلستان سلطنت قاجارها را به رسمیت شناخته بود ولی هنوز نماینده‌ای به تهران نفرستاده و اقدام به تأسیس سفارت نکرده بود. در نتیجه تلاشهای میرزا ابوالحسن خان، دولت روسیه ژنرال یرملوف را به تهران فرستاد و سفارت خود را در باغ ایلچی تأسیس کرد. ابوالحسن خان در ۱۸۲۱ به وزارت امور خارجه رسید. وی سفرنامه‌های خود به لندن و پترزبورگ را به رشته تحریر در آورده که در سالهای اخیر منتشر شده است.^۵

۲- میرزا تقی خان امیر نظام (امیر کبیر بعدی) که در سال ۱۸۲۹ از اعضای هیئت دیپلماتیک خسرومیرزا به روسیه برای معذرت‌خواهی از قتل گریبایدوف و در ۱۸۳۷ عضو هیئت امیر نظام زنگنه و ناصرالدین میرزا ولیعهد برای دیدار با نیکلای اول تزار روسیه در ایران بود. امیر نظام با این پیشینه دیپلماتیک در ۱۸۴۳ سفیر و نماینده ایران در کنفرانس تحدید حدود ارزروم شد و پس از چهار سال کوشش و جانفشانی موفق گردید عهدنامه دوم ارزروم را در ۱۸۴۷ به امضا برساند. امیر نظام پس از بازگشت به ایران مبلغ ۱۵ هزار تومان را که دولت عثمانی بعنوان غرامت و خونیهای چند تن از خدمه هیئت ایرانی در آشوب ارزروم پرداخته بود عیناً به دولت مسترد کرد و مورد تقدیر شاه و صدراعظم وقت قرار گرفت و به دریافت يك قبضه شمشیر مرصع مفتخر شد. خدمات امیر کبیر در دوران بعدی صدارت سه ساله‌اش نیاز به یادآوری ندارد.

۳- فرخ خان امین‌الملک غفاری که در دورانی بسیار تاریک از تاریخ ایران یعنی پس از تهاجم انگلستان به جنوب ایران به تلافی فتح هرات در ۱۸۵۶ به پاریس و لندن اعزام شد. فرخ خان با

میانجیگری ناپلئون سوم امپراتور فرانسه عهدنامه صلح پاریس را در ۷ مارس ۱۸۵۷ امضا کرد. سپس به لندن رفت و با ملکه ویکتوریا ملاقات کرد و تلاش زیادی در عادی کردن روابط دو کشور و خروج نیروهای انگلیسی از خاک ایران به عمل آورد. فرخ‌خان در دوران دوسالهٔ سفارت خود در اروپا معاهدات دوستی با کشورهای هلند، دانمارک، سوئد و نروژ، پروس، ساردنی، اتریش و مجارستان منعقد کرد و به برقراری مناسبات دیپلماتیک با کشورهای مزبور همت گماشت. فرخ‌خان پس از بازگشت به ایران با لقب امین‌الدوله به وزارت دربار اعظم منصوب گردید. سفرنامه وی و نیز مجموعهٔ مکاتبات وی در چند جلد منتشر شده است.^۶

۴- میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) وزیرمختار در دربار عثمانی که گزارشهای بسیاری از پیشرفتهای اروپا و برقراری حکومت مشروطه در کشورهای آن قاره و نیز برقراری تنظیمات در عثمانی به تهران فرستاد که مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت. در ۱۸۷۰ که ناصرالدین شاه به فکر زیارت عتبات افتاد، میرزا حسین خان به رغم روابط تیره میان ایران و عثمانی، ترتیبی داد که این مسافرت آبرومندانه انجام شود، به گونه‌ای که ناصرالدین شاه او را به مقام سفیر ارتقاء داد. یک سال بعد میرزا حسین خان به صدارت رسید و برنامهٔ اصلاحات گسترده‌ای به موقع اجرا گذاشت، ناصرالدین شاه را به اروپا برد، رویتزر سرمایه‌دار انگلیسی را - به رغم مخالفت دولت انگلستان - تشویق به سرمایه‌گذاری در ایران کرد. اما اصلاحات وی بویژه قرارداد رویتزر مورد مخالفت دولت روسیه و نیروهای سنت‌گرا در ایران قرار گرفت و در بازگشت از اروپا از مقام خود برکنار شد. میرزاحسین خان در دههٔ بعدی با لقب سپهسالار وزارت جنگ و امور خارجه را عهده‌دار بود و در پایان عمر در وصیتنامه‌اش نوشت: «من در شرق تهران یک مسجد و مدرسهٔ زیبا و در جوار آن یک ساختمان باشکوه به نام بهارستان بنا کرده‌ام که آرزو دارم مردم عادی در این مسجد نماز بگذارند و در ساختمان مجاور نمایندگان ملت پارلمان تشکیل دهند و به وضع قوانین بپردازند». بعدها

این آرزوی میرزاحسین خان به تحقق پیوست. ۵- میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله که در طول ۱۸ سال سفارت در لندن گزارشهای فراوانی دربارهٔ نظام پارلمانی و حکومت قانون در آن کشور به تهران فرستاد که البته در دوران ناصرالدین شاه بی‌فایده بود ولی در نهضت مشروطیت تأثیر بخشید. ملکم خان پس از برکناری از سفارت، روزنامهٔ قانون را در لندن منتشر کرد که پنهانی به ایران وارد می‌شد و یکی از چاشنی‌های انفجار انقلاب مشروطیت بود. مجموعهٔ آثار ملکم و نیز دورهٔ روزنامهٔ قانون در تهران منتشر شده است.^۷

۶- محمودخان احتشام‌السلطنه (علامیر) وزیرمختار در آلمان در سالهای نخستین قرن بیستم که در دورهٔ اول مجلس به نمایندگی و سپس ریاست مجلس برگزیده شد و در دوران ریاست مجلس خدمات گرانمایی در تنظیم و ترتیب مذاکرات مجلس، ضبط صورتمجلس‌ها و انتشار آنها در روزنامهٔ مجلس انجام داد. به گفتهٔ جورج چرچیل دبیر شرقی سفارت انگلیس که در جلسات مجلس اول شرکت می‌کرد، احتشام‌السلطنه در مدت کوتاهی توانسته بود مجلس ایران را به صورت چیزی شبیه به مجلس عوام انگلستان درآورد. خاطرات احتشام‌السلطنه در ۱۳۶۷ منتشر شده است.^۸

۷- میرزاحسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) وزیرمختار در روسیه در سالهای نخستین قرن بیستم که بارها به وزارت و پنج بار به نخست‌وزیری رسید و در پرتو تلاشهایی که در استقرار حکومت دموکراتیک در ایران کرد نام نیکی از خود برجای گذاشت. مشیرالدوله آخرین نخست‌وزیری بود که پیش از رضاخان سردار سپه زمام امور را در دست داشت ولی پس از آن از سیاست کناره‌گیری کرد و با وجود اصرارهای مکرر پهلوی حاضر نشد هیچ شغل دولتی بپذیرد و به نوشتن تاریخ ایران باستان پرداخت که از منابع ارزشمند به‌شمار می‌رود. مشیرالدوله پیش از درگذشت در ۱۳۱۱ گفته بود: «تا گلو در ... فرو رفته‌ایم».^۹

۸- علیقلی خان مشاورالممالک (انصاری) وزیرمختار در شوروی که پس از هفت ماه

○ در ایران تخم آزادیخواهی

به دست کسانی افشاند شد که خود سمت نمایندگی سلطنت مطلقه را داشتند.

در واقع عقاید سیاسی و

مدنی جدیدار مغانی بود که

مأموران رسمی از جهان آزاد

و پیشرفته به سرزمین

کهنسال استبداد آوردند و به

تأسیس دستگاه عدالت و

حکومت قانون همت

گماشتند. پیشروان نهضت

آزادی ایران، همگی در زمرهٔ

نمایندگان سیاسی دولت

وقت بودند.

○ کنت دو گوبینو: هر چند ایرانیان در بسیاری از رشته‌های علوم پیشرفت چندانی نکرده‌اند ولی در فنّ دیپلماسی بسیار ماهر و زبردست‌اند. دیپلمات‌های ایرانی با اجرای سیاست‌های گوناگون از جمله سیاست موازنه مثبت یا منفی، اتکا بر يك دولت خار جی بر ضدّ دولت خار جی دیگر، به جان‌انداختن دولتهای رقیب و کشاندن پای يك دولت ثالث در مناقشه بین دولتهای بزرگ توانسته‌اند مشعل استقلال خود را همچنان روشن نگهدارند.

مذاکرات دشوار موفق شد عهدنامه ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ را با دولت نوبنیاد شوروی امضا کند. براساس عهدنامه مزبور که نقطه عطفی در تاریخ دیپلماسی ایران به‌شمار می‌رود، دولت شوروی قروض ایران را که بالغ بر ۱۱ میلیون لیره انگلیسی می‌شد بخشید، از امتیازات خود بویژه حق کاپیتولاسیون چشم‌پوشی کرد و دارایی‌های خود را در ایران به دولت ایران واگذار کرد. مشاور الممالک حق بزرگی به گردن دیپلماسی ایران دارد و تلاش‌های او سبب شد که دیگر دولتها نیز با الغای کاپیتولاسیون موافقت کنند و این پدیده سرانجام در ۱۳۰۷ یکسره لغو گردید.

۹- سیدحسن تقی زاده سفیر در انگلستان (۱۳۲۶-۱۳۲۰). در دی ماه ۱۳۲۴ که غائله آذربایجان به اوج خود رسیده بود و دولت شوروی نه تنها از فراخواندن نیروهایش از خاک ایران خودداری می‌کرد، بلکه در جهت پشتیبانی از حکومت پیشه‌وری مانع از اعزام ارتش به آذربایجان شده بود، ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر وقت در آخرین روز زمامداری خود به تقی زاده دستور داد شکایت ایران را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کند. در آن هنگام مقر موقت سازمان ملل متحد در لندن و دبیرکل موقت آن سرگلاوین جب بود.

اما به محض اینکه قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری برگزیده شد اعلام کرد که قصد دارد قضیه آذربایجان را دوستانه با شوروی حل کند و شکایت ایران را از شورای امنیت پس بگیرد. روزی که تقی زاده با سرگلاوین جب قرار ملاقات برای تسلیم شکایت ایران داشت، تلگرام رمزی به امضای قوام به سفارت ایران در لندن رسید. تقی زاده پیشدستی کرد و به آقای عزالدین کاظمی که در آن هنگام دبیرسوم و متصدی رمز سفارت بود اظهار داشت حدس می‌زنم این تلگرام در رابطه با استرداد شکایت ایران باشد؛ من شما را در اتاق کارتان زندانی و در آن را قفل می‌کنم تا به کشف رمز بپردازید و من به ملاقات دبیرکل بروم و شکایت ایران را به او تسلیم کنم. او همین کار را کرد و وقتی برگشت و تلگرام کشف شده را دید معلوم شد حدس او درست بوده است. تقی زاده با این کار دولت قوام را در

برابر عمل انجام شده قرار داد و چون این موضوع نخستین مسئله‌ای بود که در شورای امنیت مطرح می‌شد بازتاب جهانی یافت و به سود ایران تمام شد.^{۱۰}

۱۰- حسین علاء سفیر در ایالات متحده آمریکا (۱۳۲۸-۱۳۲۴). آغاز سفارت علاء مصادف با طرح شکایت ایران از شوروی در سازمان ملل متحد گردید که در آن هنگام از لندن به نیویورک منتقل شده بود. علاء با شهامت در برابر نماینده شوروی که برای عدم تخلیه خاک ایران به مغذیر گوناگون متوسل می‌شد، ایستادگی کرد و حتی با سرپیچی از دستور قوام‌السلطنه حاضر نشد شکایت ایران را پس بگیرد. قوام او را از نمایندگی در شورای امنیت معزول کرد ولی شکایت ایران همچنان در دستور شورا باقی ماند و سرانجام چند ماه بعد در اثر سیاست مدبرانه قوام، پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و مساعی شورای امنیت، مسئله آذربایجان به سود ایران حل شد و حکومت پوشالی پیشه‌وری فرو پاشید.

۱۱- نصرالله انتظام سفیر در آمریکا (۱۳۳۱-۱۳۲۸) در پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به ریاست مجمع عمومی انتخاب شد و با اداره درست و مدبرانه جلسات مجمع آبروی فراوانی برای کشورش کسب کرد. نظر به اینکه انتظام به هنگام ورود شاه به مجمع عمومی برای ایراد سخنرانی دست شاه را نبوسیده بود، مدتها مغضوب شاه بود.

۱۲- آخرین سفیر استخوانداری که زیربار حرف زور نرفت، دکتر جلال عبده بود که در سالهای (۱۳۳۸-۱۳۳۴) ریاست هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد را برعهده داشت. در خرداد ۱۳۳۸ دکتر عبده تلگرامی به این مضمون از وزارت امور خارجه دریافت کرد: «جناب‌عالی به سمت وزیر امور خارجه منصوب شده‌اید، ولی قبل از عزیمت به تهران از هرگونه مصاحبه مطبوعاتی خودداری کنید.»

دکتر عبده در تیر ماه ۱۳۳۸ به تهران آمد و با شاه ملاقات کرد. شاه به او گفت: «نخستین وظیفه شما این است که شکایت ایران از تبلیغات خصمانه شوروی علیه رژیم و شخص من را در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار

دهید و برای دفاع از آن خودتان به نیویورک برگردید.» دکتر عبده پاسخ داد چنین کاری غیر ممکن است چون تبلیغات مزبور صلح جهانی را به خطر نمی افکند و قابل طرح در شورای امنیت نیست. شاه با ناراحتی گفته بود: «مثل این است که شما درست متوجه نشده اید. وزیر خارجه واقعی خود من هستم و شما فقط مجری او امر خواهید بود.» به دنبال این ملاقات، دکتر عبده تمارض کرد و در بیمارستان بانك ملی بستری شد و از همانجا استعفای خود را برای شاه فرستاد.^{۱۱}

شاه به جای او غلامعباس آرام را که مردی مطیع بود به وزارت امور خارجه منصوب کرد که هفت سال در این سمت باقی بود. پس از آن هم اردشیر زاهدی را وزیر خارجه کرد که ماجراهای او در وزارت امور خارجه و در دوره سفارت در آمریکا و انگلستان مشهور است. از آن پس وزارت امور خارجه تقریباً از مداخله و اظهار نظر در سیاست خارجی محروم شد و همه تصمیمها در مسائل خارجی توسط شاه و امیراسدالله علم وزیر دربار اتخاذ می شد (یادداشت های علم) و این وضع تا پیروزی انقلاب ادامه داشت.

وزیران امور خارجه از بدو تأسیس این

وزارتخانه تاکنون

الف - وزیران امور خارجه پیش از مشروطیت

۱- میرزا عبدالوهاب خان معتمدالدوله نشاط ۱۲۰۳-۱۱۹۹ شمسی

۲- میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) ۱۲۰۳-۱۲۱۳ شمسی

۳- میرزا مسعودخان انصاری گرمرودی ۱۲۱۳-۱۲۲۰ شمسی

میرزا ابوالحسن خان شیرازی ۱۲۲۰-۱۲۲۵ شمسی

میرزا مسعودخان انصاری گرمرودی ۱۲۲۵-۱۲۲۹ شمسی

۴- میرزا محمدعلی خان شیرازی ۱۲۲۹-۱۲۳۱ شمسی

۵- میرزا سعیدخان مؤتمن الملک ۱۲۳۱-۱۲۵۱ شمسی

۶- میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) ۱۲۵۱-۱۲۵۹ شمسی

میرزا سعیدخان مؤتمن الملک ۱۲۵۱-۱۲۶۲ شمسی

۷- میرزا محمودخان ناصر الملک ۱۲۶۲-۱۲۶۴ شمسی

۸- میرزا یحیی خان مشیرالدوله ۱۲۶۴-۱۲۶۶ شمسی

۹- میرزا عباس خان قوام الدوله ۱۲۶۶-۱۲۷۵ شمسی

۱۰- حاجی محسن خان مشیرالدوله ۱۲۷۵-۱۲۷۸ شمسی

۱۱- میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی ۱۲۷۸-۱۲۸۵ شمسی

ب- وزیران امور خارجه در دوران مشروطیت

۱۲- میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه بهمن ۱۲۸۵-شهریور ۱۲۸۶

۱۳- میرزا جواد خان سعدالدوله شهریور ۱۲۸۶-مهر ۱۲۸۶

۱۴- میرزا احسن خان مشیرالدوله آبان ۱۲۸۶-اردیبهشت ۱۲۸۷

میرزا محمدخان علاءالسلطنه خرداد ۱۲۸۷-دی ۱۲۸۷

میرزا جواد خان سعدالدوله دی ۱۲۸۷-مهر ۱۲۸۸

میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه آذر ۱۲۸۸-اردیبهشت ۱۲۸۹

۱۵- میرزا ابراهیم خان معاون الدوله اردیبهشت ۱۲۸۹-تیر ۱۲۸۹

۱۶- حسینقلی خان نواب مرداد ۱۲۸۹-دی ۱۲۸۹

۱۷- حاجی میرزا حسن خان محتشم السلطنه دی ۱۲۸۹-خرداد ۱۲۹۰

۱۸- میرزا احسن خان وثوق الدوله خرداد ۱۲۹۰-مرداد ۱۲۹۲

میرزا ابراهیم خان معاون الدوله مرداد ۱۲۹۲-اردیبهشت ۱۲۹۴

حاجی میرزا احسن خان محتشم السلطنه اردیبهشت ۱۲۹۴-دی ۱۲۹۴

۱۹- علیقلی خان مشاور الممالک انصاری دی ۱۲۹۴-شهریور ۱۲۹۴

○ در دوران قاجاریه شش تن از تربیت شدگان وزارت امور خارجه به مسند صدارت دست یافتند. در دوران پهلوی نیز شش تن دیگر از رجال وزارت امور خارجه به مقام نخست وزیری رسیدند. چهارتن از این شخصیتها هم به ریاست مجلس شورای ملی برگزیده شدند.

- ۱۲۹۴-اسفند ۱۲۹۴
 ۲۰-اکبر میرزا اصارم الدوله اسفند ۱۲۹۴-مرداد
 ۱۲۹۵
 میرزا احسن خان وثوق الدوله مرداد ۱۲۹۵-خرداد
 ۱۲۹۶
 میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه خرداد ۱۲۹۶-
 دی ۱۲۹۶
 علیقلی خان مشاور الممالک انصاری دی ۱۲۹۶-
 خرداد ۱۲۹۷
 ۲۱-میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه خرداد
 ۱۲۹۷-مرداد ۱۲۹۷
 علیقلی خان مشاور الممالک انصاری مرداد ۱۲۹۷-
 تیر ۱۲۹۸
 ۲۲-فیروز میرزا نصرت الدوله مرداد ۱۲۹۸-
 خرداد ۱۲۹۹
 میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه خرداد ۱۲۹۹-
 شهریور ۱۲۹۹
 حاجی میرزا احسن خان محتشمالسلطنه آبان
 ۱۲۹۹-اسفند ۱۲۹۹
 ۲۳-میرزا محمودخان مدیرالملک جم اسفند
 ۱۲۹۹-اردیبهشت ۱۳۰۰
 ۲۴-میرزا تقی خان معزز الدوله نبوی اردیبهشت
 ۱۳۰۰-خرداد ۱۳۰۰
 حاجی میرزا احسن خان محتشمالسلطنه خرداد
 ۱۳۰۰-شهریور ۱۳۰۰
 میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه مهر ۱۳۰۰-دی
 ۱۳۰۰
 ۲۵-میرزا ابراهیم خان حکیم الملک بهمن ۱۳۰۰-
 خرداد ۱۳۰۱
 ۲۶-میرزا احمدخان قوامالسلطنه خرداد ۱۳۰۱-
 دی ۱۳۰۱
 ۲۷-میرزا محمدعلی خان فروغی ذکاءالملک
 بهمن ۱۳۰۱-خرداد ۱۳۰۲
 ۲۸-دکتر محمدخان مصدقالسلطنه خرداد
 ۱۳۰۲-مهر ۱۳۰۲
 ۲۹-میرزا احسن خان مشارالملک آبان ۱۳۰۲-دی
 ۱۳۰۴
 داودخان مفتاحالسلطنه (کفیل) دی ۱۳۰۴-
 شهریور ۱۳۰۵
 علیقلی خان مشاور الممالک انصاری شهریور
 ۱۳۰۵-اردیبهشت ۱۳۰۷
- فتح الله پاکروان (کفیل) تیر ۱۳۰۷-بهمن ۱۳۰۷
 ۳۰-محمدعلی فرزین اسفند ۱۳۰۷-اردیبهشت
 ۱۳۰۹
 محمدعلی فروغی اردیبهشت ۱۳۰۹-شهریور
 ۱۳۱۲
 ۳۱-باقر کاظمی شهریور ۱۳۱۲-اسفند ۱۳۱۴
 ۳۲-عنایت الله سمیعی فروردین ۱۳۱۵-اسفند
 ۱۳۱۶
 مصطفی عدل (کفیل) فروردین ۱۳۱۷-اردیبهشت
 ۱۳۱۷
 ۳۳-علی سهیلی اردیبهشت ۱۳۱۷-تیر ۱۳۱۷
 ۳۴-مظفر اعلم تیر ۱۳۱۷-آبان ۱۳۱۹
 جواد عامری (کفیل) آبان ۱۳۱۹-شهریور ۱۳۲۰
 علی سهیلی شهریور ۱۳۲۰-مرداد ۱۳۲۱
 ۳۵-محمد ساعد مراغه ای مرداد ۱۳۲۱-آبان
 ۱۳۲۳
 ۳۶-محسن رئیس آذر ۱۳۲۳-آذر ۱۳۲۳
 ۳۷-نصر الله انتظام آذر ۱۳۲۳-فروردین ۱۳۲۴
 ۳۸-انوشیروان سپهبدی اردیبهشت ۱۳۲۴-آبان
 ۱۳۲۴
 ۳۹-ابوالقاسم نجم آبان ۱۳۲۴-دی ۱۳۲۴
 احمد قوام (نخست وزیر و وزیر امور خارجه) بهمن
 ۱۳۲۴-مهر ۱۳۲۵
 ۴۰-محمدعلی همایون نجاه مهر ۱۳۲۵-اردیبهشت
 ۱۳۲۶
 انوشیروان سپهبدی خرداد ۱۳۲۶-شهریور ۱۳۲۶
 ۴۱-موسی نوری اسفندیاری شهریور ۱۳۲۶-
 بهمن ۱۳۲۶
 باقر کاظمی بهمن ۱۳۲۶-اسفند ۱۳۲۶
 موسی نوری اسفندیاری اسفند ۱۳۲۶-آبان
 ۱۳۲۷
 ۴۲-علی اصغر حکمت آبان ۱۳۲۷-دی ۱۳۲۸
 ۴۳-دکتر علی اکبر سیاسی دی ۱۳۲۸-اسفند
 ۱۳۲۸
 ۴۴-حسین علاء اسفند ۱۳۲۸-تیر ۱۳۲۹
 محمود صلاحی (کفیل) تیر ۱۳۲۹-شهریور
 ۱۳۲۹
 محسن رئیس شهریور ۱۳۲۹-اسفند ۱۳۲۹
 ۴۵-عبدالله انتظام اسفند ۱۳۲۹-اردیبهشت
 ۱۳۳۰
 باقر کاظمی اردیبهشت ۱۳۳۰-تیر ۱۳۳۱

○ میرزا احسن خان
 مشیرالدوله (پیرنیا)
 وزیر مختار ایران در روسیه
 در نخستین سالهای سده
 بیستم، بارها به وزارت و پنج
 بار به نخست وزیری رسید و
 در پرتو تلاشهایی که برای
 استقرار حکومت
 دموکراتیک در ایران کرد،
 نام نیکی از خود بر جای
 گذاشت.

- ۴۶- حسین نوآب تیر ۱۳۳۱- مهر ۱۳۳۱
 ۴۷- دکتر حسین فاطمی مهر ۱۳۳۱- مرداد ۱۳۳۲
 عبدالله انتظام مرداد ۱۳۳۲- دی ۱۳۳۴
 ۴۸- دکتر علیقلی اردلان دی ۱۳۳۴- فروردین ۱۳۳۷

پانویس‌ها

۱. ممتحن الدوله شقاقی، رجال وزارت خارجه در دوره قاجار، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۵، صفحات ۲۳-۲۴.
 ۲. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۵۰.
 ۳. آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، انتشارات سخن، تهران ۱۳۴۰، صفحات ۱۹۹-۲۰۰.
 ۴. کنت آرتور دوگوبینو، گزارشهای سیاسی گوبینو، نشر جویا، تهران ۱۳۷۰، ص ۸۴.
 ۵. حیرت نامه، سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۶۴؛ سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به روسیه، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۳.
 ۶. مخزن الوقایع، سفرنامه فرخ خان امین الدوله، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۱.
 ۷. مجموعه آثار میرزا ملکم خان، انتشارات علمی، تهران ۱۳۲۷.
 ۸. خاطرات احتشام السلطنه، انتشارات زوآر، تهران ۱۳۶۷.
 ۹. باستانی یاریزی، محمد ابراهیم، تلاش آزادی، انتشارات نوین، تهران ۱۳۵۴.
 ۱۰. نقل قول از آقای دکتر عزالدین کاظمی رئیس اسبق دفتر حقوقی وزارت امور خارجه.
 ۱۱. عبده، دکتر جلال، چهل سال در صحنه، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۶۸.
 ۴۹- دکتر جلال عبده تیر ۱۳۳۸- مرداد ۱۳۳۸
 ۵۰- عباس آرام مرداد ۱۳۳۸- شهریور ۱۳۳۹
 ۵۱- یدالله عضدی شهریور ۱۳۳۹- اسفند ۱۳۳۹
 ۵۲- حسین قدس نخعی اسفند ۱۳۳۹- فروردین ۱۳۴۱
 عباس آرام فروردین ۱۳۴۱- دی ۱۳۴۵
 ۵۳- اردشیر زاهدی دی ۱۳۴۵- شهریور ۱۳۵۰
 ۵۴- دکتر عباسعلی خلعتبری شهریور ۱۳۵۰- شهریور ۱۳۵۷
 ۵۵- امیر خسرو افشار شهریور ۱۳۵۷- دی ۱۳۵۷
 ۵۶- احمد میرفندرسکی دی ۱۳۵۷- بهمن ۱۳۵۷
ج- وزیران خارجه جمهوری اسلامی
 ۵۷- دکتر کریم سنجابی بهمن ۱۳۵۷- فروردین ۱۳۵۸
 ۵۸- دکتر ابراهیم یزدی فروردین ۱۳۵۸- آبان ۱۳۵۸
 ابوالحسن بنی صدر (سرپرست) آبان ۱۳۵۸- آذر ۱۳۵۸
 ۵۹- صادق قطب‌زاده آذر ۱۳۵۸- مرداد ۱۳۵۹
 محمدکریم خداینه‌ای (کفیل) شهریور ۱۳۵۹- اسفند ۱۳۵۹
 ۶۰- محمدعلی رجایی اسفند ۱۳۵۹- مرداد ۱۳۶۰
 (نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه)
 ۶۱- میر حسین موسوی مرداد ۱۳۶۰- آذر ۱۳۶۰

○ محمودخان
 احتشام السلطنه (علامیر)
 وزیر مختار ایران در آلمان در
 سالهای نخستین سده بیستم
 در دوره اول مجلس به
 نمایندگی و سپس ریاست
 مجلس برگزیده شد و
 خدمات گرانبهایی به کشور
 کرد. جورج چرچیل
 می نویسد: احتشام السلطنه
 در مدت کوتاهی توانست
 مجلس ایران را به صورت
 چیزی شبیه به مجلس عوام
 انگلستان درآورد.